

ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای و افق‌های نوین در مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام (قضیه کوز و هزینه‌های مبادله)^۱

محمد جواد شریف‌زاده^۲

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

دکتر الیاس نادران^۳

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

چکیده

انتشار مقاله «مسئله هزینه اجتماعی» به قلم رونالد کوز در دهه ۱۹۶۰ میلادی را می‌توان نقطه عطفی در مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه اقتصاد و دانش‌های مرتبط با آن به شمار آورد. تا پیش از انتشار قضیه کوز، اقتصاددانان - که عمدتاً در چارچوب نظریه نئوکلاسیک می‌اندیشیدند - نیازی نمی‌دیدند که گام‌های خود را از دایره مطالعات درون‌رشته‌ای فراتر گذارند و مسائل حقوقی و تاریخی را در تحلیل‌های خود وارد نمایند. کوز به همراه دیگر اقتصاددانان مکتب حقوق مالکیت نشان داد که اگر هزینه‌های مبادله مخالف صفر باشد، کارایی اقتصادی مستقل از قواعد حقوقی نخواهد بود و در نتیجه نهادهای حقوقی نقشی انکارناشدنی در رسیدن به کارایی خواهند داشت. بدین ترتیب کوز و هم‌راهان وی به اقتصاددانان یادآوری کردند که تا وقتی هزینه‌های مبادله مخالف صفر است، گریزی از انجام مطالعات میان‌رشته‌ای وجود نخواهد داشت. ظهور دانش جدید «حقوق و اقتصاد» به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای تا حد زیادی مدیون همین تلاش‌هاست. در این مقاله افق‌های نوین و چشم‌اندازهای جدیدی که در پی این تحولات نظری فراهم آمده است معرفی و دلالت‌های آن برای مطالعات بین‌رشته‌ای حقوق، اقتصاد و تاریخ در اسلام بیان می‌شود. چنان‌که خواهیم دید قضیه کوز و مفهوم محوری هزینه‌های مبادله می‌توانند نقش مهمی در توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای اسلامی در حوزه اقتصاد داشته باشند و به ایجاد افق‌های جدید پژوهشی کمک نمایند.

واژه‌های کلیدی: مطالعات میان‌رشته‌ای، حقوق و اقتصاد، تحلیل نهادی تاریخ، هزینه‌های مبادله، معارف و تاریخ اسلام

۱. مقاله حاضر از رساله دکتری محمد جواد شریف‌زاده با عنوان «تحلیل رویکرد اسلام در تخصیص منابع: با تأکید بر تعامل بازار و نهادهای حقوقی» به راهنمایی دکتر الیاس نادران استخراج شده است.

2. mj.sharifzade@gmail.com

3. enaderan@ut.ac.ir

امروزه انجام مطالعات میان‌رشته‌ای به ضرورتی انکارناپذیر در فرایند توسعه دانش و تجربه بشری تبدیل شده است. اگرچه در گذشته‌ای نه چندان دور، بخش عمده‌ای از توان و ظرفیت علمی پژوهشگران و نهادهای تحقیقاتی، صرف انجام مطالعات درون‌رشته‌ای می‌شد اما در دهه‌های اخیر علایم و نشانه‌هایی در حال ظهور است که به خوبی نشانگر فرایند رو به رشد تحقیقات تلفیقی به‌ویژه مطالعات میان‌رشته‌ای است. (خورسندی، ۱۳۸۸؛ زاهدی، ۱۳۸۸) دانش اقتصاد نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین علوم بشری از این روند مستثنی نبوده است. (پیغامی، ۱۳۸۷) هدف این پژوهش بررسی تحولاتی است که از نیمه دوم قرن بیستم میلادی آغاز گشت و توانست امکان و ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای را در عرصه حقوق و اقتصاد به‌ویژه در موضوع تعامل نهادهای حقوقی و سازوکارهای تخصیص منابع نشان دهد.

چنان که می‌دانیم جوامع گوناگون - اعم از سنتی یا مدرن، دینی یا غیردینی، اسلامی یا غیراسلامی - همواره آگاهانه یا ناآگاهانه با مسئله تخصیص منابع روبه‌رو بوده‌اند. به همین دلیل بخش مهمی از دانش اقتصاد به بررسی این موضوع اختصاص یافته است. تا پایان دهه ۱۹۵۰ نظریه غالب در حوزه تخصیص منابع، نظریه اقتصاد نئوکلاسیک بود که این موضوع را در چارچوب الگوی تعادل عمومی *والراس* تحلیل می‌کرد. در این الگو - که نمونه‌ای برجسته از پایبندی به مطالعات درون‌رشته‌ای بود - سازوکارهای تخصیص منابع به‌ویژه سازوکار بازار در قالب مفاهیمی انتزاعی و فارغ از بسترهای سیاسی، اجتماعی و حقوقی بررسی می‌شدند. (آرو، ۱۹۸۵؛ ۱۹۶۹) از دهه ۱۹۶۰ و پس از انتشار مقاله «مسئله هزینه اجتماعی»^۱ به قلم رونالد کوز^۲ افق‌های جدیدی در مطالعه سازوکارهای تخصیص منابع گشوده شد که به اقتصاددانان آموخت اغلب اوقات باید پای خویش را از عرصه مطالعات درون‌رشته‌ای فراتر نهند و تأثیر نهادهای حقوقی را بر کارایی تخصیصی لحاظ نمایند. (کوز، ۱۹۶۰) این مسئله برای مطالعات میان‌رشته‌ای حوزه اقتصاد اسلامی نیز دلالت‌های فراوانی به‌همراه داشت.

اگرچه کوز نخستین بار در سال ۱۹۳۷ مفهوم «هزینه‌های مبادله»^۳ را ابداع و به دانش اقتصاد معرفی کرده بود، (کوز، ۱۹۳۷) اما تا پیش از ۱۹۶۰ ارتباط دقیق هزینه‌های مبادله و تخصیص کارایی منابع مشخص نبود. مباحثی که از دهه ۱۹۶۰ در میان اقتصاددانان انجام شد نقش هزینه‌های

1. Arrow
2. The Problem of Social Cost
3. Ronald Coase
4. Transaction Costs



مبادله را روشن کرد و نشان داد اگر این هزینه‌ها مخالف صفر باشد، نهادهای حقوقی می‌توانند بر تخصیص کارای منابع تأثیر بگذارند. (استیگلر^۱، ۱۹۶۶؛ دمستز^۲، ۱۹۶۷؛ کالبرسی^۳، ۱۹۶۸) یافته‌های کوز و پیروان وی به اقتصاددانان فرصت داد تا در مطالعه تخصیص منابع پا را از دایره مطالعات درون‌رشته‌ای فراتر بگذارند و دانش میان‌رشته‌ای جدیدی را که امروزه «حقوق و اقتصاد»^۴ نامیده می‌شود پدید آورند.

در مقاله حاضر به اختصار تحولات نظری ایجاد شده در نیمه دوم قرن بیستم به‌ویژه توسعه قضیه کوز و نیز ظهور دانش حقوق و اقتصاد را بررسی خواهیم کرد و سپس نگاهی به چشم‌انداز مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام با تکیه بر بسترهای تاریخی خواهیم افکند. بر این اساس ابتدا مهم‌ترین مفروضات و دستاوردهای نظریه اقتصاد نئوکلاسیک را مطرح خواهیم کرد و نشان خواهیم داد که چرا تا پیش از انتشار قضیه کوز اقتصاددانان نئوکلاسیک ضرورت انجام مطالعات میان‌رشته‌ای را احساس نمی‌کردند. در ادامه به معرفی قضیه کوز و ابعاد اثباتی و سیاستی آن پرداخته خواهد شد. در این بخش نشان می‌دهیم که کوز و دیگر نظریه‌پردازان برجسته همراه وی چه نقشی در بیان و طرح این قضیه داشتند و قضیه کوز چگونه می‌تواند ضرورت انجام مطالعات میان‌رشته‌ای را تبیین کند و چارچوبی منسجم برای انجام آن فراهم آورد. آشنایی با مفهوم محوری هزینه‌های مبادله و تعاریف آن نیز دارای اهمیت است، چرا که بر اساس قضیه کوز انجام مطالعات میان‌رشته‌ای هنگامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که هزینه‌های مبادله مخالف صفر باشد. پس از بررسی مسئله ظهور دانش حقوق و اقتصاد و تطورات آن در واپسین مبحث، افق‌های نوینی را که این تحولات نظری برای انجام مطالعات میان‌رشته‌ای در عرصه حقوق و اقتصاد در اسلام ایجاد کرده است معرفی خواهیم کرد.

۱. نظریه نئوکلاسیک و نگاه درون‌رشته‌ای به اقتصاد

چنان که گفتیم چگونگی تخصیص منابع از نخستین سؤالاتی است که هر جامعه انسانی باید بدان پاسخ دهد. فرض کنید گروهی از افراد در سرزمینی جمع شده و تصمیم گرفته‌اند جامعه‌ای را تشکیل دهند. آنان برای تأمین معیشت خود ناچارند با استفاده از نیروی کار و سرمایه خود و نیز مواهبی که طبیعت به آنان ارزانی داشته است دسته‌ای از کالاها و خدمات را تولید کنند. به عبارت دقیق‌تر

1. Stigler
2. Demsetz
3. Calabresi
4. Law and Economics



آنان باید درباره چگونگی تخصیص منابع موجود (شامل نیروی کار، سرمایه و مواهب طبیعی) برای تولید کالاها و خدمات مورد نیاز تصمیم‌گیری نمایند. به بیان دیگر اعضای این جامعه باید با توجه به موجودی عوامل تولید تصمیم بگیرند که چه کالاهایی را به چه میزان و با چه روشی تولید کنند. به علاوه از آنان انتظار می‌رود که بهترین تصمیم را در این باره بگیرند. زیرا منابع هر جامعه محدود است و باید متناسب با نیازهای موجود، بهترین استفاده را از آن به عمل آورد. بدین ترتیب جامعه در مرحله دوم با این پرسش مواجه می‌شود که بهترین روش تخصیص منابع کدام است.

روش‌های تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع را می‌توان به اختصار سازوکارهای تخصیص نامید. اکنون این پرسش قابل طرح است که آیا سازوکار یا سازوکارهایی وجود دارد که بتواند عوامل تولید موجود در یک جامعه را به بهترین وجه تخصیص دهد و در نتیجه کارایی تخصیصی را برقرار نماید؟ دسته‌ای از اقتصاددانان که به اقتصاددانان نئوکلاسیک شهرت دارند کوشیده‌اند تا با تکیه بر پیش‌فرض‌هایی نشان دهند سازوکار بازار می‌تواند این امر را به خوبی به انجام برساند. تکیه بر این پیش‌فرض‌ها یکی از مهم‌ترین دلایلی است که اقتصاددانان طرفدار نظریه نئوکلاسیک را از انجام مطالعات میان‌رشته‌ای مستغنی می‌سازد. چنان که روشن است استغنائی مذکور بیش از آنکه ریشه در واقعیت و نیازهای علمی داشته باشد، حاصل پیش‌فرض‌هایی است که مصنوع ذهن اقتصاددانان نئوکلاسیک است. به عقیده‌ی این دسته از اقتصاددانان قیمت‌هایی که در بازارها شکل می‌گیرد حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره عرضه و تقاضای هر کالا است و می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری افراد و بنگاه‌های فعال در هر جامعه قرار گیرد. نظریه اقتصاد نئوکلاسیک نشان می‌دهد که سازوکار بازار توانایی قابل توجهی در تخصیص منابع دارد. از همین روست که نظریه پردازان اقتصاد نئوکلاسیک سازوکارهای تخصیص منابع را به دو دسته شامل سازوکار بازار و سازوکارهای غیر بازاری تقسیم می‌کنند. (آرو، ۱۹۶۹)

مهم‌ترین یافته‌های اقتصاددانان نئوکلاسیک درباره توانایی بازارها در تخصیص منابع با استفاده از الگوی تعادل عمومی *والراس* و در قالب قضایای اول و دوم اقتصاد رفاه بیان شده است. (والراس، ۱۹۵۴؛ آرو و دبرو، ۱۹۵۴؛ دبرو، ۱۹۵۹؛ آرو و هان، ۱۹۷۱) بر اساس قضیه اول اقتصاد رفاه، بازار رقابت کامل می‌تواند در حالت تعادل، کارایی پاراتویی را برقرار کند؛ البته این قضیه به شرطی برقرار است که بازارها کامل باشند. قضیه دوم اقتصاد رفاه نیز نشان می‌دهد که با تغییر توزیع اولیه مالکیت

1. Walras
2. Arrow and Debreu
3. Debreu
4. Arrow and Hahn



عوامل تولید، می‌توان هر تخصیص کارای پاراتویی را از طریق بازارهای رقابتی به دست آورد. این قضیه نیز به شرطی درست است که بازارها کامل باشند و منحنی‌های بی‌تفاوتی خانوارها و مرز امکانات تولید بنگاه‌ها شرط تحدب را تأمین نمایند. (آرو، ۱۹۶۹) بدین ترتیب چنان که مشاهده می‌شود قضایای اول و دوم اقتصاد رفاه مبتنی بر تعدادی فروض محدودکننده است. مفروض دانستن چنین اموری نه تنها جایگاه این نظریه را در مقام عمل کاهش می‌دهد بلکه پایبندی به این فروض، امکان مطالعات میان‌رشته‌ای را نیز تا حد زیادی سلب می‌نماید. به همین دلیل نیز نظریه اقتصادی نئوکلاسیک نمی‌توانست تکیه‌گاه مناسبی برای انجام مطالعات میان‌رشته‌ای فراهم آورد.

از آنچه گفتیم روشن شد که اگرچه با پذیرفتن پیش‌فرض‌های نظریه نئوکلاسیک می‌توان از انجام مطالعات میان‌رشته‌ای چشم‌پوشید، اما با قدم گذاشتن به جهان واقعی و فاصله گرفتن از پیش‌فرض‌های مذکور، برتری نظری مطالعات درون‌رشته‌ای خدشه‌دار خواهد شد. بیان یک مثال می‌تواند به فهم بیشتر این نکته کمک کند. یکی از معضلات مهمی که سازوکارهای تخصیص با آن مواجهند چگونگی جمع‌آوری اطلاعات برای تخصیص منابع است. در مدل تعادل عمومی *والراس* - که مبنای بسیاری از تحلیل‌های نئوکلاسیک به شمار می‌رود - فرض می‌شود که بازارها اطلاعات کامل را فراهم می‌آورند و بدین ترتیب اجازه می‌دهند حجم عظیمی از مبادلات بدون هیچ‌گونه اصطکاک‌کی به صورت لحظه‌ای انجام گیرد. (والراس، ۱۹۵۴) اما همه می‌دانند که در جهان واقعی شرایط متفاوت است؛ به گونه‌ای که شرکت‌کنندگان در بازارها بسیاری اوقات با فقدان، نقصان و یا عدم تقارن اطلاعات مواجهند. به عبارت دیگر فرض ناقص بودن اطلاعات که از مهم‌ترین فروض اقتصاد نئوکلاسیک است در بسیاری از حالات صادق نیست. بدیهی است که گردش اطلاعات در یک اقتصاد، ارتباطی وثیق با نهادهای حقوقی، فرهنگی و حتی بسترهای تاریخی آن جامعه دارد. به همین دلیل نیز فهم عمیق سازوکارهای تخصیص و چگونگی عملکرد آنها نیازمند توجه به واقعیت‌هایی فراتر از دایره محدود موضوعات درون‌رشته‌ای است که به‌طور سنتی مورد توجه اقتصاددانان نئوکلاسیک بوده است.

۲. قضیه کوز؛ تبیین ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای

انتشار مقاله «مسئله هزینه اجتماعی» به قلم *رونالد کوز* نقطه عطفی در شناخت ضرورت و امکان مطالعات میان‌رشته‌ای به‌ویژه در تحلیل کارکرد نهادهای حقوقی در تخصیص منابع بود. کوز در این مقاله که به سال ۱۹۶۰ در «مجله حقوق و اقتصاد»^۱ به چاپ رسید، رویکرد پیگو

1. Journal of Law and Economics



به مسئله آثار جانبی زیان‌بار را نقد کرد. (پیگو، ۱۹۲۰) او نشان داد که به شرط برقراری برخی پیش‌فرض‌ها مشکل آثار جانبی را می‌توان از طریق مبادله آزادانه در بازار حل کرد. طبق نظریه کوز اگر هزینه‌های مذاکره و چانه‌زنی صفر باشد، ایجادکنندگان و صدمه‌دیدگان آثار جانبی، فارغ از چگونگی توزیع حقوق مالکیت بین آنان، می‌توانند از طریق مذاکره مشکل آثار جانبی را حل نمایند و به تخصیص کارای منابع دست یابند. (کوز، ۱۹۶۰)

اگرچه کوز بعدها اعلام کرد که هیچ‌گاه قصد نداشته است اندیشه‌اش را در قالب یک قضیه دقیق و تحلیلی بیان کند، اما یافته‌های او - علی‌رغم خواسته‌اش - در همان دهه ۱۹۶۰ تعمیم داده شد و در قالب آنچه امروزه «قضیه کوز» نامیده می‌شود صورت‌بندی شد. (کوز، ۱۹۸۸، ۱۵۷) استیگلر اولین اقتصاددانی بود که نتایج کوز را تعمیم داد و قضیه کوز را به این صورت بیان کرد: «در شرایط رقابت کامل هزینه‌های خصوصی و اجتماعی مساوی خواهد بود». (استیگلر، ۱۹۶۶، ۱۱۳) دمستز در سال ۱۹۶۷ صورت دیگری از قضیه کوز را بیان کرد: «در جهانی که هزینه‌های مبادله صفر است اگر مبادله حقوق مالکیت مجاز باشد ترکیب محصول، کارا و مستقل از شیوه توزیع حقوق مالکیت خواهد بود». (دمستز، ۱۹۶۷، ۲۹۴) کالبرسی نیز قضیه کوز را بدین شکل فرمول‌بندی کرد: «اگر فرض کنیم عقلانیت برقرار و هزینه‌های مبادله صفر است و مانعی قانونی برای چانه‌زنی وجود ندارد، مشکل تخصیص ناکارای منابع را می‌توان از طریق مذاکره در بازار به‌طور کامل حل کرد.» (کالبرسی، ۱۹۶۸، ۶۸) یکی دیگر از برداشتهای متداول از قضیه کوز برداشتی است که در آثار نورث به کار رفته است؛ بر اساس این برداشت اگر هزینه‌های مبادله صفر باشد، سازوکار بازار در حالت رقابت کامل کارایی تخصیصی را برقرار می‌کند و نحوه توزیع حقوق مالکیت تأثیری بر کارایی نتیجه ندارد. (نورث، ۱۳۷۷)

قضیه کوز در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با انتقاداتی نیز مواجه شد. انتقاد اول ادعا می‌کرد که این قضیه به آثار بلندمدت بین صنعتی^۲ توجه ندارد. به اعتقاد منتقدان، انتقال ثروت (که در نتیجه مذاکره بین گروه‌های درگیر در مسئله آثار جانبی اتفاق می‌افتد) در بلندمدت موجب عدم تعادل بین صنعتی خواهد شد. (کالبرسی، ۱۹۶۵؛ ویلز، ۱۹۶۴) کالبرسی - که از مطرح‌کنندگان این انتقاد بود - خود در سال ۱۹۶۸ نشان داد که نتایج قضیه کوز در بلندمدت نیز همچون کوتاه‌مدت برقرار است. به گفته وی دلایل این امر روشن است؛ چون همان مبادلاتی که در کوتاه‌مدت، تخصیص نادرست منابع را برطرف می‌نماید در بلندمدت نیز می‌تواند مشکل را حل کند و این

1. Pigou
2. Inter-industrial Long-term Effects
3. Wellisz



فرایند تا آنجا ادامه می‌یابد که هیچ چانه‌زنی جدیدی نتواند تخصیص منابع را بهبود بخشد. (کالبرسی، ۱۹۶۸) انتقاد دوم به امکان رفتار استراتژیک از طرف صاحبان حقوق اشاره داشت. طبق این انتقاد توزیع اولیه حقوق می‌توانست بر نتیجه چانه‌زنی مؤثر باشد و از رسیدن سیستم به تعادل بهینه جلوگیری نماید. (کالبرسی، ۱۹۶۵؛ ویلز، ۱۹۶۴) دمستز در پاسخ به این انتقاد نشان داد که امکان رفتار استراتژیک در فرایند مذاکره نمی‌تواند در نهایت بر کارایی تخصیصی اثری بگذارد. (دیمستز، ۱۹۶۷، ۱۹۷۲) دسته دیگری از انتقادات به ابعاد توزیعی نظریه کوز اشاره داشت. (رگان^۱، ۱۹۷۲؛ نوتر^۲، ۱۹۶۸) در پاسخ به این انتقاد نیز لازم است به یاد داشته باشیم که در قضیه کوز فرض بر آن است که آثار درآمدی را می‌توان نادیده گرفت؛ و گرنه روشن است که نحوه توزیع حقوق مالکیت بر توزیع نهایی ثروت بین افراد تأثیرگذار است. (کوز، ۱۹۶۰، ۶) به عبارت دیگر قضیه کوز کارکرد حقوق مالکیت را از زاویه کارایی اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد و کارکردهای توزیعی آن را نادیده می‌انگارد. (آلن^۳، ۲۰۰۰)

به هر تقدیر به رغم انتقاداتی که متوجه قضیه کوز شد، نمی‌توان از دستاوردهای مهمی که این قضیه برای مطالعات میان‌رشته‌ای داشت چشم پوشید. قضیه کوز نشان داد اگرچه در جهان فرضی نئوکلاسیک‌ها - که هزینه‌های مبادله، مساوی صفر است - سازوکار بازار فارغ از بسترهای نهادی می‌تواند کارایی را برقرار نماید و در نتیجه نیازی به مطالعات میان‌رشته‌ای وجود نخواهد داشت؛ اما در جهان واقعی - که هزینه‌های مبادله مثبت است - نهادهای حقوقی بر تخصیص منابع تأثیر می‌گذارند و از همین رو درک عملکرد سازوکارهای تخصیص در جهان واقعی بدون توجه به بسترهای حقوقی خطا خواهد بود. لذا اقتصاددانان ناچارند برای فهم عمیق سازوکارهای تخصیص، شناخت تعاملات حقوق و اقتصاد را در دستور کار مطالعات خویش قرار دهند. بدیهی است که انجام چنین مطالعاتی در دایره‌های محدود درون‌رشته‌ای میسر نیست و گریزی از به‌کارگیری روش‌های میان‌رشته‌ای وجود نخواهد داشت.

۳. هزینه‌های مبادله: رمز عبور از مطالعات درون‌رشته‌ای به مطالعات میان‌رشته‌ای

چنان که دیدیم مفهوم هزینه‌های مبادله، نقشی محوری در قضیه کوز دارد و می‌تواند راهگشای مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه‌های حقوق و اقتصاد باشد. چنان که قضیه کوز نشان می‌دهد

1. Regan
2. Nutter
3. Allen



تا هنگامی که هزینه‌های مبادله مساوی صفر است نیاز چندانی به مطالعات میان‌رشته‌ای وجود ندارد اما به محض آنکه با هزینه‌های مبادله مثبت مواجه می‌شویم گریزی از انجام مطالعات میان‌رشته‌ای نخواهیم داشت. سؤال محوری این بخش آن است که تعریف هزینه‌های مبادله چیست و چه هزینه‌هایی می‌تواند در عداد این هزینه‌ها به شمار آید؟ معرفی دیر هنگام مفهوم هزینه‌های مبادله به تاریخ اندیشه اقتصادی نشان می‌دهد که این هزینه‌ها به خلاف هزینه‌های تولید هزینه‌هایی مبهم و ناملموس هستند. به همین خاطر نیز مفهوم «هزینه‌های مبادله» در دهه‌های گذشته در معرض تفاسیر و برداشت‌های مختلف قرار گرفته است.

مفهوم «هزینه‌های مبادله» نخستین بار در مقاله کوز با عنوان «ماهیت بنگاه»^۱ در سال ۱۹۳۷ به کار رفت. وی در پی آن بود که نشان دهد چرا برخی مبادلات به جای آنکه در بازار انجام شود در بنگاه سازماندهی می‌شود. به عبارت دیگر وی به دنبال شناخت دلیل یا دلایل تشکیل بنگاه بود. کوز توانست در این مقاله نشان دهد که وجود هزینه‌های مبادله مثبت، شرط لازم و کافی برای تبیین وجود بنگاه است. کوز نه تنها با نگارش مقاله ماهیت بنگاه، اقتصاددانان را با اهمیت هزینه‌های مبادله آشنا کرد بلکه با نوشتن مقاله «مسئله هزینه اجتماعی» که در سال ۱۹۶۰ منتشر شد سهمی بزرگ‌تر در این آشنایی ایفا کرد. انتشار این دو مقاله اگرچه نقشی مهم در تاریخ اندیشه اقتصادی داشت و نام کوز را به جامعه علمی شناساند، معمای بزرگی را نیز پدید آورد؛ زیرا وی در هیچ یک از مقالات مذکور هزینه‌های مبادله را تعریف نکرده و بدین ترتیب آن را در معرض تعاریف و تفاسیر متعدد قرار داده بود. برای مثال کوز در مقاله ماهیت بنگاه هزینه‌های مبادله را معادل «هزینه استفاده از سازوکار قیمت‌ها»^۲ دانسته (کوز، ۱۹۳۷، ۴۰۳) و برای روشن کردن آن به بیان چند مصداق از جمله «هزینه‌های مذاکره و رسیدن به قرارداد» بسنده کرده بود. (همان، ۳۹۱-۳۹۰)

اکنون شایسته است تعاریف و تفاسیر هزینه‌های مبادله را گونه‌شناسی کنیم و بکشیم وجوه اشتراک و افتراق آنها را دریابیم. نگاهی کوتاه به مجموعه این تعاریف نشان می‌دهد که یک نقطه مشترک در همه این تعاریف وجود دارد و آن تفاوت هزینه‌های مبادله و هزینه‌های تولید است. در یک تعریف کلی می‌توان هزینه‌های مبادله را شامل هزینه‌هایی دانست که در شمار هزینه‌های تولید جای نمی‌گیرند اما بر تخصیص منابع تأثیر می‌گذارند. (کلائس^۳، ۲۰۰۸) با این حال شناخت هزینه‌های مبادله حاوی نکات و ظرایف خاصی است؛ به گونه‌ای که هر گروه از



1. The Nature of the Firm
2. Cost of Using Price Mechanism
3. Klaes

اقتصاددانان مطابق با خاستگاه فکری خود هزینه‌های مبادله را از یک زاویه مورد کاوش و تعمیق قرار داده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی تعاریف مختلف هزینه‌های مبادله را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: در دسته اول تعاریف و تفاسیری قرار می‌گیرد که به اقتصاددانان نئوکلاسیک تعلق دارد؛ در حالی که دسته دوم بیشتر متعلق به اقتصاددانان متمایل به نحله نهادگراست. آلن این تفاسیر را به ترتیب رویکرد نئوکلاسیک و رویکرد ادبیات حقوق مالکیت^۱ نام نهاده است. به گفته وی وجه تمایز این دو رویکرد در آن است که در رویکرد نئوکلاسیک بر هزینه‌های تجارت در بازارها تأکید می‌شود؛ در حالی که ادبیات حقوق مالکیت بر هزینه‌های استمرار و اعمال حقوق مالکیت تأکید دارد. (آلن، ۲۰۰۰)

کلاّس در مقاله‌ای که به گونه‌شناسی تفاسیر هزینه‌های مبادله اختصاص دارد، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای را پیشنهاد داده است. وی اولین رویکرد را رویکرد ادبیات پولی و تعادل عمومی به هزینه‌های مبادله نامیده که همان رویکرد نئوکلاسیک مورد اشاره آلن است. در این رویکرد هزینه‌های مبادله، معادل هزینه‌های مستقیمی همچون حق العمل کارگزاران یا هزینه‌های حمل و نقل به شمار می‌رود که فرد به خاطر حضور در مبادلات بازاری می‌پردازد. وی دومین رویکرد را تفسیر رابطه‌ای^۲ هزینه‌های مبادله نام نهاده است. این تفسیر از آن جهت رابطه‌ای نامیده شده است که روابط انسانی را فراتر از ابعاد سنتی مرسوم در تحلیل اقتصادی یعنی قیمت و مقدار تفسیر می‌کند. به عقیده کلاّس تفسیر رابطه‌ای در قیاس با تفسیر پولی بر برداشت دقیق‌تری از تعامل انسان‌ها در مبادلات بازاری مبتنی است و قرابت بیشتری با مقالات کوز در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۶۰ و نیز با نظریه قرارداد دارد. کلاّس سومین رویکرد را تفسیر نهادی^۳ هزینه‌های مبادله نامیده است. این تفسیر که نتیجه کاربرد تفسیر رابطه‌ای در تحلیل سازوکارهای غیر بازاری مانند شبکه‌ها و بنگاه‌ها است، می‌کوشد با به‌کارگیری مفهوم هزینه‌های مبادله عملکرد روش‌های جایگزین را در حل مسئله هماهنگی اقتصادی مقایسه نماید. (کلاّس، ۲۰۰۸)

به هر تقدیر با توجه به زمینه‌های تاریخی و نیز گونه‌شناسی‌های متداول هزینه‌های مبادله سه رویکرد مهم زیر را می‌توان از هم متمایز کرد. رویکرد نخست متأثر از آثار نظریه‌پردازان نئوکلاسیک به ویژه جان هیکس است. (هیکس، ۱۹۳۵) پیشگامان این رویکرد سهم مهمی در ارتقای نظریه پولی ایفا کردند زیرا در مدل تعادل عمومی *والراس* فرض بر آن بود که مبادلات، بدون هیچ‌گونه هزینه و

1. Property Rights Approach
2. Relational
3. Institutional
4. Hicks



اصطکاک‌های انجام‌پذیر است. طبیعی بود که در چنان مدل‌هایی تبیین دلایل پیدایش پول و کارکردهای آن دشوار باشد. اقتصاددانان مذکور هزینه‌های مستقیم مبادله‌داری‌ها در بازار را وارد تحلیل اقتصادی کردند و توانستند با تکیه بر همین نوآوری دلایل پیدایش پول و عوامل مؤثر بر تقاضای آن را تبیین نمایند. (ماکور و مارشاک^۱، ۱۹۳۸؛ مارشاک، ۱۹۵۰، بامول^۲، ۱۹۵۲، توپین^۳، ۱۹۵۶، پاتینکین^۴، ۱۹۶۵) نقطه آغاز رویکرد دوم را می‌توان مقاله ۱۹۳۷ کوز دانست. چنان که گفتیم وی در این مقاله دلایل پیدایش بنگاه را بررسی کرده بود. (کوز، ۱۹۳۷) / *ولپور ویلیامسون*^۵ سرشناس‌ترین اقتصاددانی است که این برنامه پژوهشی را دنبال کرد و کوشید مزایا و معایب هر یک از ساختارهای سازماندهی از جمله بازار، بنگاه و روش‌های ترکیبی را تحلیل نماید. (ویلیامسون، ۱۹۷۵؛ ۱۹۸۵) دستاوردهای این رویکرد به اقتصاد هزینه مبادله مشهور شده است. اگر به تقسیم‌بندی کلاسیک رجوع کنیم این رویکرد معادل رویکرد نهادی مورد اشاره وی است.

سومین رویکرد به هزینه‌های مبادله رویکرد اقتصاد حقوق مالکیت است. این رویکرد بیش از هر چیز مدیون مقاله کوز در سال ۱۹۶۰ است که توانست ارتباط هزینه‌های مبادله و حقوق مالکیت را روشن نماید. (کوز، ۱۹۶۰) در تفسیر رابطه‌ای هزینه‌های مبادله سنت بر آن بوده است که هزینه‌های مبادله متناسب با گام‌های مختلف مبادله تفکیک و تقسیم‌بندی شود. بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصاد حقوق مالکیت هزینه‌های مبادله را شامل هزینه‌های مرتبط با مراحل مختلف قرارداد شامل هزینه‌های جستجو، هزینه‌های چانه‌زنی و هزینه‌های اعمال قرارداد دانسته‌اند. (چونگ^۶، ۱۹۶۹؛ بارزل^۷، ۱۹۸۵؛ ۶؛ گلدبرگ^۸، ۱۹۸۹؛ ۲۲؛ آلچین و وودوارد^۹، ۱۹۸۸، ۶۶) به عبارت دیگر هزینه‌های مبادله را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: ۱. هزینه‌های مکان‌یابی و جذب طرف‌های تجاری بالقوه^{۱۰} ۲. هزینه‌های عقد قرارداد و اجرای آن^{۱۱} ۳. هزینه‌های نظارت و اعمال قرارداد^{۱۲}. (کلاسیک، ۲۰۰۸، ۳۶۴) این تعریف قرابت بسیاری با آرای کوز در مقاله مسئله

1. Makower and Marschak
2. Baumol
3. Tobin
4. Patinkin
5. Williamson
6. Cheung
7. Barzel
8. Goldberg
9. Alchian and Woodward
10. The Costs of Locating and Attracting Potential Trading Partners
11. Contracting and Fulfillment Costs
12. Policing and Enforcement Costs



هزینه اجتماعی دارد. کوز در پانزدهمین صفحه این مقاله می‌گوید: «آنچه تاکنون گفتیم با این فرض بود که مبادلات بازاری را می‌توان بدون هزینه انجام داد. تردیدی نیست که این فرض کاملاً غیر واقعی است. برای انجام یک مبادله بازاری لازم است طرف‌های راغب به مبادله شناخته شوند، مردم از رغبت آنان به مبادله و شرایط پیشنهادی اطلاع یابند، مذاکرات و چانه‌زنی‌های ضروری انجام شود، قرارداد منعقد شود، بررسی‌های ضروری برای اطمینان از رعایت مفاد قرارداد انجام پذیرد و...» (کوز، ۱۹۶۰، ۱۵)

۴. ظهور «حقوق و اقتصاد» به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای

ارتباط بین دو حوزه مهم حقوق و اقتصاد واضح‌تر از آن است که نیاز به شرح و توصیف داشته باشد. اگر تعاملات اقتصادی را به مثابه نوعی بازی در میان عناصر انسانی به حساب آوریم قوانین و مقررات حقوقی را باید مهم‌ترین قواعد حاکم بر این بازی بدانیم. چنان‌که نورث اشاره کرده است قواعد حاکم بر هر بازی را می‌توان به دو دسته شامل قواعد رسمی و قواعد غیر رسمی تقسیم کرد. (نورث، ۱۳۷۷) قوانین و مقررات حقوقی را می‌توان از شناخته شده‌ترین انواع قواعد رسمی به شمار آورد؛ چرا که این دسته از قواعد ماهیت مکتوب دارند و عموماً به وسیله دولت و با تکیه بر قوه قاهره اعمال و اجرا می‌شوند. از طرف دیگر تحولات اقتصادی نیز نقشی انکارناشدنی در تحولات نظام حقوقی ایفا می‌کنند. برای مثال رشد فناوری‌های نوین و پیدایش پدیده‌های که امروزه تجارت الکترونیک نامیده می‌شود وضع و اعمال دسته جدیدی از قواعد و مقررات حقوقی معطوف به فضای سایبری و مبادلات دنیای مجازی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. به همین دلیل نیز انجام مطالعات میان‌رشته‌ای در این دو عرصه ضرور و مفید به نظر می‌آید.

پیدایش و رشد چشمگیر «حقوق و اقتصاد» به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای بیش از هر چیز مدیون یافته‌های کوز و دیگر اقتصاددانانی است که ابتدا با نام نظریه پردازان «اقتصاد حقوق مالکیت»^۱ شناخته می‌شدند. دانش اقتصاد تا پیش از انتشار قضیه کوز مملو از نظریاتی بود که توزیع حقوق مالکیت را بی‌تأثیر می‌دانست؛ نظریه مودیگیلیانی-میلر، قضیه هم‌ارزی ریکاردویی، قضیه هم‌ارزی مالیات‌ها و.. چنین ادعایی داشتند. (آلن، ۲۰۰۰) دستاوردهای اقتصاد حقوق مالکیت نشان داد که اگر هزینه‌های مبادله مخالف صفر باشد این هم‌ارزی‌ها برقرار نخواهد بود. برای مثال بارزل توانست نشان دهد که وقتی هزینه‌های مبادله مخالف صفر است قضیه هم‌ارزی مالیات‌ها نمی‌تواند برقرار باشد. قضیه مذکور ادعا می‌کرد که روش‌های مختلف مالیات‌ستانی

1. Property Rights Economics



از جهت تأثیرگذاری بر تخصیص منابع و نیز از جهت اصابت مالیات‌ها یکسان هستند. بر این اساس مالیات بر مصرف‌کنندگان، هم ارزش مالیات بر تولیدکنندگان شمرده می‌شد. بارزل نشان داد هنگامی که هزینه‌های مبادله مخالف صفر است روش‌های مختلف مالیات‌ستانی تأثیری متفاوت بر تخصیص منابع خواهند داشت. (بارزل، ۱۹۷۶)

اگرچه کوز پیشگام تحلیل رابطه هزینه‌های مبادله و حقوق مالکیت به شمار می‌رود اما اقتصاددانان برجسته دیگری همچون آلچیان، دمستز، کالبرسی، پوسنر و مک‌نیل نیز سهم مهمی در طرح و بسط اقتصاد حقوق مالکیت (که امروزه بیشتر با نام حقوق و اقتصاد شناخته می‌شود) داشته‌اند. (آلچیان^۱، ۱۹۶۵؛ دمستز، ۱۹۶۷؛ کالبرسی، ۱۹۶۸؛ پوسنر^۲، ۱۹۷۲؛ مک‌نیل^۳، ۱۹۸۱) نخستین دستاورد این اقتصاددانان تعمیم دستاوردهای کوز و صورت‌بندی آن به شکلی بود که بعدها به قضیه کوز معروف شد. آنان نشان دادند که اگر حقوق مالکیت به خوبی تصریح شده و هزینه‌های مبادله نیز مساوی صفر باشد سازوکار بازار - مستقل از آنکه حقوق مالکیت چگونه بین طرف‌های مبادله توزیع شود - کارایی را برقرار خواهد کرد. بدین سان این گروه از اقتصاددانان توانستند تأثیر حقوق مالکیت بر تخصیص منابع را تبیین کنند و بدین ترتیب از بنیان‌گذاران رشته نوپای حقوق و اقتصاد باشند. دانش حقوق و اقتصاد (به‌عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای) در پنجاه سال گذشته تحولات قابل توجهی را شاهد بوده است؛ ما در ادامه مقاله می‌کشیم ابتدا رویکرد شیکاگویی به حقوق و اقتصاد را معرفی نماییم و آن‌گاه به رویکردهای رقیب مکتب شیکاگو به‌ویژه رویکرد نهادگرایی جدید نگاهی بیندازیم.

۴-۱. رویکرد میان‌رشته‌ای شیکاگویی در حقوق و اقتصاد

مهم‌ترین دغدغه پژوهشگران رویکرد شیکاگویی - که می‌توان آن را جریان غالب در دانش میان‌رشته‌ای حقوق و اقتصاد به شمار آورد - به‌کارگیری روش‌های مرسوم دانش اقتصاد در تحلیل موضوعات محوری حقوق همچون قراردادها، مالکیت، شبه جرم و قوانین کیفری است. توسعه این رویکرد در دهه‌های گذشته بیش از هر چیز حاصل تلاش‌های گری بکر و ریچارد پوسنر بود که توانستند روش «انتخاب عقلایی»^۴ را به‌عنوان ابزاری توانمند در تحلیل مسائل حقوقی به کار گیرند. گری بکر به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو توانست اهمیت منطقی اقتصادی را در تحلیل مسائل گوناگون از جمله مسائل مربوط به جرم،

1. Alchian
2. Posner
3. Macneil
4. Rational Choice



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۲

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹

خانواده و سرمایه اجتماعی به اقتصاددانان و سایر پژوهشگران اجتماعی یادآوری کند. بکر اعتقاد داشت که اقتصاد را باید با توجه به روش آن (روش انتخاب عقلایی) و نه موضوع مطالعه‌اش تعریف کرد. (بکر، ۱۹۷۶) ریچارد پوسنر در سال ۱۹۷۲ کتابی را با نام «تحلیل اقتصادی حقوق»^۲ منتشر کرد که در تاریخ دانش اقتصاد اهمیتی بسیار یافت. وی در این کتاب کوشید با بهره‌گیری از ایده‌های گری بکر نظام حقوقی کامن لاء^۳ را تحلیل اقتصادی نماید. ایده جذابی که پوسنر در این کتاب دنبال می‌کرد نشان دادن کارایی نظام حقوقی کامن لاء بود. او در ویرایش نخست کتابش این ایده را مطرح کرد که تمام قواعد مطرح در نظام کامن لاء با منطق کارایی سازگار است و می‌تواند ضمن جلوگیری از اتلاف منابع، باعث حداکثر شدن ثروت جامعه شود. (پوسنر، ۱۹۷۲)

جدول شماره ۱. برخی از موضوعات مورد بررسی در رویکرد شیکاگو به حقوق و اقتصاد

تحلیل اقتصادی حقوق مالکیت خصوصی و دایره اختیارات مالکان
تحلیل اقتصادی تعارض در به‌کارگیری اموال و مسئله آثار جانبی
تحلیل اقتصادی ابزارهای حمایت از مالکیت
تحلیل اقتصادی مالکیت عمومی
تحلیل ابعاد تخصیصی و توزیعی تحویل اموال خصوصی به وسیله دولت
تحلیل ابعاد تخصیصی و توزیعی حقوق مالکیت معنوی
مفهوم قراردادهای کامل و ناقص
تحلیل اقتصادی تفسیر قراردادها
تحلیل نتایج اقتصادی مذاکره مجدد در مورد قراردادها
تحلیل پیامدهای اقتصادی نقض قراردادها و روش‌های جبران خسارت
تحلیل نتایج اقتصادی ابطال قراردادها

رویکرد میان‌رشته‌ای شیکاگو در حقوق و اقتصاد، طیف بسیار وسیعی از موضوعات را مورد بحث و مناقشه قرار داده است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد بررسی در این رویکرد حوزه حقوق مالکیت است. در این حوزه موضوعاتی مانند مالکیت خصوصی و دایره اختیارات مالکان، تعارض در به‌کارگیری اموال و مسئله آثار جانبی، ابزارهای حمایت از مالکیت، مالکیت عمومی، تحویل اموال خصوصی به وسیله دولت و حقوق مالکیت معنوی مورد بحث و دقت

1. Becker
2. Economic Analysis of Law
3. Common Law



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۳

ضرورت مطالعات
میان‌رشته‌ای و افق‌های ...

نظر قرار می‌گیرد. محور مهم دیگری که در این رویکرد مورد مطالعه قرار گرفته است موضوع مهم حقوق قراردادهاست. در این محور نیز مسائلی مانند شکل‌گیری و اعمال قراردادهای، مفهوم قراردادهای کامل و ناقص، تفسیر قراردادهای، مذاکره مجدد در مورد قراردادهای، نقض قراردادهای و روش‌های جبران خسارت، ابطال قراردادهای و مسائلی از این دست مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. حوزه مطالعاتی دیگری که توجه جدی رویکرد شیکاگویی را به خود جلب کرده است موضوع حقوق حادثه و شبه جرم است. این حوزه در کنار حوزه‌های مطالعاتی دیگری مانند تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی و تحلیل اقتصادی جرم و مجازات، می‌تواند نمادی از کمک اقتصاددانان به حل برخی مسائل و تعارضات حقوقی باشد. (پوسنر، ۱۹۹۸؛ کوتر و اولن^۱، ۲۰۰۰؛ شاول^۲، ۲۰۰۴) به هر تقدیر باید اذعان کرد که وجه تمایز رویکرد شیکاگو تلاش برای شناسایی و طراحی دسته‌ای از قواعد حقوقی است که توانایی بیشتری برای تحقق کارایی و حداکثرسازی ثروت در جامعه داشته باشند. جدول شماره یک نمونه‌ای از موضوعات مورد بررسی در این رویکرد را نشان می‌دهد.

۴-۲. رویکردهای رقیب در حقوق و اقتصاد

از دهه ۱۹۷۰ ایده‌های تحقیقاتی مکتب شیکاگو در عرصه حقوق و اقتصاد به‌ویژه تأکید فراوان آن بر ایده کارایی با انتقادات جدی مواجه شد. (مک‌کی^۳، ۲۰۰۰) این انتقادات باعث شد تا از دهه ۱۹۸۰ اعتماد به تز تحقیقاتی مکتب مذکور کاهش یابد و نقش رویکردهای رقیب به‌ویژه رویکردهایی مانند رویکرد نهادگرای قدیم، رویکرد نهادگرای جدید، نظریه انتخاب عمومی و رویکرد اثربشی در توسعه دانش میان‌رشته‌ای حقوق و اقتصاد فزونی گیرد. در نگاهی کلی می‌توان ادعا کرد که تفاوت‌های اساسی این مکاتب با مکتب شیکاگو در موضوعاتی مانند تأکید بر نقش نهادها، پژوهش تاریخی، جایگاه نااطمینانی، اکتشاف، کارآفرینی، رفتار استراتژیک و عقلانیت محدود آشکار می‌شود. (مک‌کی، ۲۰۰۰) از آنجا که بررسی همه این مکاتب و دستاوردهایشان خارج از مجال این مقاله است، ما بررسی خود را به رویکرد نهادگرایان جدید به حقوق و اقتصاد که به اختصار می‌توان آن را «حقوق و اقتصاد نهادگرای جدید» نامید محدود می‌کنیم.

پیش از آنکه حقوق و اقتصاد نهادگرای جدید را بررسی کنیم، لازم است به یاد داشته باشیم که توجه به تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی، تاریخی طولانی دارد و سابقه آن دست‌کم به اواخر



1. Cootler & Ulen

2. Shavell

3. Mackaay

قرن نوزدهم میلادی و انتشار کتاب «نظریه طبقه مرفه»^۱ به قلم تورستن ویبلن باز می‌گردد. ویبلن در این کتاب از کم‌توجهی اقتصاددانان نئوکلاسیک به نقش نهادها انتقاد می‌کند. از نگاه وی نهادها طیف وسیعی از عادات فکری و رویه‌های رفتاری رایج در هر مقطع زمانی را در برمی‌گیرند و بر ابعاد مختلف زندگی بشر از جمله حیات اقتصادی او تأثیر می‌گذارند. (ویبلن، ۲، ۱۸۹۹) پس از ویبلن چهره‌های سرشناسی از جمله وسلی میچل^۳، کلارنس آیرز^۴، والتون همیلتون^۵، رابرت لی هیل^۶، و جان کامنز^۷ برنامه پژوهشی او را - که امروزه اقتصاد نهادگرای قدیم نامیده می‌شود - در جهات مختلف ادامه دادند. این گروه از اقتصاددانان عقیده داشتند که محیط نهادی، قیود و چارچوب‌های حاکم بر رفتار اقتصادی را تعریف و بنابراین فعالیت‌های اقتصادی افراد و جوامع را متأثر می‌کند. از طرف دیگر رفتار اقتصادی نیز با گذشت زمان بر محیط نهادی تأثیر می‌گذارد و آن را دستخوش تغییر می‌سازد. از نگاه اقتصاددانان نهادگرای قدیم، تأثیر و تأثر موجود بین محیط نهادی و عملکرد اقتصادی ماهیتی تکاملی^۸ دارد و به همین خاطر استفاده از رویکرد تکاملی در تحلیل رفتارهای اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است. (رادفورد^۹، ۱۹۹۴؛ مدما و مرکر^{۱۰} و سامونلز^{۱۱}، ۲۰۰۰)

رویکرد دیگری که در تحلیل چگونگی اثرگذاری نهادها بر رفتار اقتصادی به آن رجوع می‌شود رویکردی است که اقتصاد نهادگرای جدید نامیده می‌شود. اقتصاددانان متمایل به این رویکرد عموماً از آرای رونالد کوز تأثیر پذیرفته‌اند و بنابراین نگاهی ویژه به تأثیر نهادهای حقوقی بر رفتار اقتصادی دارند. (کلاین^{۱۲}، ۲۰۰۰) اگر به ادبیات نهادگرایان جدید نگاهی بیافکنیم روشن است که می‌توان دو شاخه نزدیک اما متفاوت را - که هر دو در نظریات رونالد کوز ریشه دارند - از هم تشخیص داد. داگلاس نورث این دو شاخه را به ترتیب، شاخه محیط نهادی و شاخه ترتیبات نهادی نام نهاده است. به گفته نورث محیط نهادی وظیفه تعیین قواعد بازی را بر عهده دارد. وی ترتیبات نهادی را با ساختارهای سازماندهی - که موضوع اصلی تحلیل در



1. The Theory of the Leisure Class
2. Veblen
3. Wesley C. Mitchell
4. Clarence E. Ayres
5. Walton H. Hamilton
6. Robert Lee Hale
7. John R. Commons
8. Evolutionary
9. Rutherford
10. Medema & Mercurio
11. Samuels
12. Klein

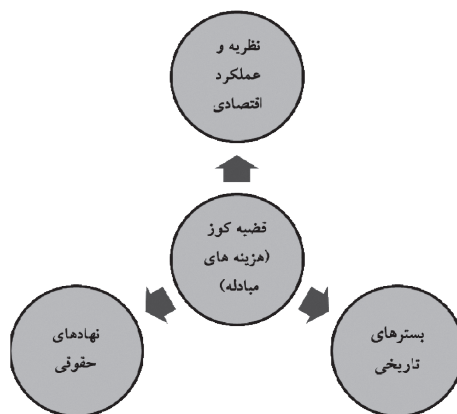
آثار ویلیامسون و دیگر نظریه پردازان «اقتصاد هزینه مبادله»^۱ است - مرتبط می سازد. به گفته وی سازمان‌ها شامل گروهی از افرادند که برای رسیدن به هدف یا اهداف مشترک گرد هم آمده‌اند. (نورث، ۱۳۷۷) نظریه پردازان شاخه تریبیات نهادی، پا را از تحلیل حقوق و قواعد قراردادهای - که موضوع اصلی شاخه محیط نهادی است - فراتر می گذارند و به مسئله قراردادهای ناقص و ساختارهای مختلف سازماندهی توجه می کنند. (ویلیامسون، ۲۰۰۵) امروزه این دو شاخه چنان در میان اقتصاددانان شناخته شده است که جایزه نوبل علوم اقتصادی را نصیب *داگلاس نورث* و *اولیور ویلیامسون* به عنوان دو چهره مطرح در این دو شاخه از مطالعات بین رشته‌ای کرده است. نورث نهادها را قواعد بازی در جامعه می داند و آنها را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می کند. نهادهای رسمی مشتمل بر قوانین سیاسی، قوانین اقتصادی و قراردادهای هستند. نهادهای حقوقی - که بخش مهمی از نهادهای رسمی را تشکیل می دهند - حدود مالکیت را مشخص می کنند و بر مجموعه‌ای از حقوق استفاده از دارایی‌ها و درآمدهای ناشی از آن و توانایی افراد در انتقال یک دارایی یا منبع ثروت ناظرند. به گفته نورث نهادها حد و مرز انتخاب‌های افراد را تعیین می کنند تا کنش متقابل انسان‌ها در چارچوب آن تحقق پذیرد. البته نهادها به رغم محدودیت‌هایی که ایجاد می کنند می توانند با کاهش نااطمینانی، هزینه‌های مبادله را کاهش دهند. (نورث، ۱۳۷۷)

بخش مهمی از آثار نورث و پیروان او به بررسی و تحلیل سیر تحول نهادهای رسمی و غیر رسمی در طول تاریخ اختصاص دارد. جایگاه تاریخ در آثار این عده به حدی است که امروزه با نام طرفداران مکتب «تحلیل نهادی تاریخ» نیز از آنان یاد می شود. (نورث^۲، ۱۹۷۰؛ نورث، ۱۹۸۵؛ اگر تسون^۳، ۱۹۹۰، گریف^۴، ۱۹۹۳؛ دیوید^۵، ۱۹۹۴؛ دیویس و نورث^۶، ۱۳۷۹) به عبارت دیگر نورث و دیگر پژوهشگران حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید توانستند دایره مطالعات میان رشته‌ای خویش را به عرصه تاریخ نیز گسترش دهند و مفهوم هزینه‌های مبادله را برای تحلیل تاریخ اقتصادی جوامع گوناگون به کار گیرند. بدین ترتیب همان گونه که نمودار شماره یک نشان می دهد بسط قضیه کوزر و معرفی مفهوم هزینه‌های مبادله توانست بسترهای روشنی را برای تحلیل‌های بین رشته‌ای در سه حوزه مهم اقتصاد، حقوق و تاریخ فراهم آورد.



1. Transaction Costs Economics
2. North
3. Eggertsson
4. Greif
5. David
6. Davis

نمودار شماره ۱. نقش محوری قضیه کوز و مفهوم هزینه‌های مبادله در توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای در حقوق و اقتصاد نهادگرای جدید (شاخه محیط نهادی)



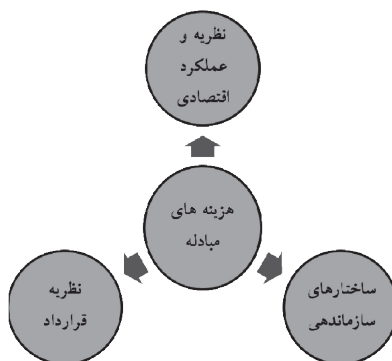
اولیور ویلیامسون بیش از هر اقتصاددان دیگری در توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای مربوط به ترتیبات نهادی نقش داشت. او توانست دستاوردهای مقاله ۱۹۳۷ کوز و مفهوم هزینه‌های مبادله را برای تبیین مسئله سازماندهی و دلایل رجوع به ساختارهای هر می به کار گیرد. به عبارت دیگر همان گونه که نورث توانسته بود دانش میان‌رشته‌ای حقوق و اقتصاد را در فهم تحولات تاریخ اقتصادی به استخدام خویش درآورد، ویلیامسون موفق شد مطالعات حقوق و اقتصاد را با دانش مدیریت و ساختارهای سازماندهی ارتباط دهد و به گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در این عرصه کمک شایانی بنماید. همان گونه که نمودار شماره دو نشان می‌دهد وی توانست سه حوزه مطالعاتی مهم یعنی نظریه قرارداد، نظریه سازمان و سازماندهی و نظریه اقتصادی را با تکیه بر مفهوم هزینه‌های مبادله به هم پیوند دهد. (ویلیامسون، ۱۹۷۵؛ ۱۹۷۹؛ ۱۹۸۵) ویلیامسون بر خلاف بسیاری از اقتصاددانان که موضوع علم اقتصاد را «انتخاب» می‌دانستند، اعتقاد داشت که موضوع دانش اقتصاد باید شناخت و تحلیل «قراردادها» باشد. به همین دلیل نیز واحد تحلیل در آثاری که وی به وجود آورده «مبادله» است. ویلیامسون مبادلات را بر حسب سه ویژگی اختصاص‌داری به کاربرد خاص^۱، نااطمینانی^۲ و تناوب^۳ مبادلات تقسیم‌بندی می‌کند و هزینه‌های هر مبادله را تابعی از این سه ویژگی می‌داند. او چگونگی تأثیر گذاری این سه ویژگی را در انتخاب ساختارهای سازماندهی توضیح داده است. از نگاه ویلیامسون ساختارهای سازماندهی به سه

1. Asset Specificity
2. Disturbances
3. Frequency



دسته عمده شامل بازار، ساختارهای هرمی^۱ مانند بنگاه و ساختارهای ترکیبی^۲ تقسیم می‌شود. او در تحلیل‌های خود فروض عقلانیت محدود و فرصت‌طلبی را جایگزین فرض عقلانیت کامل کرده است. به عقیده وی از آنجا که عقلانیت محدود است افراد نمی‌توانند در زمان انعقاد قرارداد همه اتفاقات و احتمالات ممکن را به حساب آورند. به همین دلیل نیز همه قراردادها در ذات خود ناقص هستند. (ویلیامسون، ۲۰۰۵؛ ویلیامسون، ۱۳۸۱)

نمودار شماره ۲. نقش محوری قضیه کوز و مفهوم هزینه‌های مبادله
در توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای در حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید (شاخه اقتصاد هزینه مبادله)



۵. چشم انداز مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام

بخش مهمی از میراث فکری و معنوی اسلام به بیان نظام حقوقی آن اختصاص دارد که در کتب فقهی تجلی یافته است. بدون شک در سرزمین‌های اسلامی نیز مانند هر دیار و سرزمین دیگری نظام حقوقی و قواعد برخاسته از آن نقشی انکارناشدنی در عملکرد اقتصادی داشته است. به رغم وضوح و اهمیت این موضوع، تحلیل و تبیین چگونگی تأثیرگذاری نظام حقوقی اسلام بر عملکرد اقتصادی مسلمانان چندان مورد توجه و عنایت نبوده است. برای مثال مسئله مهمی که همواره شایسته بررسی‌های عالمانه بوده ولی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، چگونگی تطور نظام حقوقی اسلام با توجه به تحولات اقتصادی به‌ویژه از نظر تغییر فناوری‌های تولید بوده است. در کنار این موضوعات تحلیل آموزه‌های حقوقی اسلام از منظر یافته‌های دانش اقتصاد جدید نیز می‌تواند موضوع مطالعاتی جذابی به شمار آید و بر شناخت ما از نحوه عملکرد تعالیم حقوقی اسلام بیافزاید. با توجه به موارد فوق و مواردی از این دست، توسعه مطالعات اسلامی در حوزه حقوق و اقتصاد را می‌توان حرکتی نوین و تأثیرگذار تلقی کرد.

1. Hierarchy

2. Hybrid



بدیهی است که تحولات نظری مورد اشاره در بخش‌های قبل، بسترهای مناسبی را برای توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای در عرصه مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام پدید آورده است. فرصت‌های مطالعاتی مذکور اختصاص به هیچ یک از رویکردهای مورد اشاره ندارد بلکه روش‌های مرسوم در هر یک از رویکردهای شیکاگویی و نهادگرایی جدید را می‌توان با برخی تعدیلات، بومی کرد و آن را در مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام به کار گرفت. برای مثال اگر قصد داشته باشیم کارکرد قواعد و مقررات حقوقی اسلامی را از منظر کارایی تخصیصی مطالعه کنیم روش‌ها و دستاوردهای رویکرد میان‌رشته‌ای شیکاگو می‌تواند کمک شایان توجهی به ما بکند. به همین طریق اگر بخواهیم به موضوع مهم ظهور و افول اقتصادی مسلمانان توجه کنیم می‌توانیم از روش‌های موجود در شاخه محیط نهادی اقتصاد نهادگرایی جدید بهره بگیریم. همچنین اگر بخواهیم به سازماندهی اقتصادی در اسلام و ارتباط آن با توسعه اقتصادی جوامع اسلامی نظر بیافکنیم بدون شک می‌توانیم به روش‌ها و دستاوردهای اقتصاد هزینه مبادله (شاخه ترتیبات نهادی اقتصاد نهادگرایی جدید) رجوع کنیم و از آن الگو بگیریم. در ادامه می‌کشیم مطالعات میان‌رشته‌ای نوینی را که با تکیه بر دستاوردهای هر یک از این رویکردها می‌توان در عرصه حقوق و اقتصاد در اسلام پی گرفت معرفی نماییم.

روش‌ها و دستاوردهای رویکرد شیکاگو توانایی قابل توجهی در شناخت ابعاد اقتصادی موضوعات حقوقی دارد. چنان‌که می‌دانیم بخش مهمی از مسائل مطرح در فقه الاقتصاد متوجه شناخت موضوعات جدید فقهی و تلاش برای استنباط موضع شریعت در قبال این موضوعات است. بر همین اساس آشنایی فقها و پژوهشگران فقه با شیوه تحلیلی این رویکرد می‌تواند کمک شایانی به فهم عمیق‌تر موضوعات اقتصادی به‌ویژه از جهت کارکردهای تخصیصی و توزیعی آنها داشته باشد. موضوعات مهمی مانند حقوق مالکیت معنوی، تقسیم زمانی مالکیت، تعارض در اموال و مسئله آثار جانبی و مواردی از این دست در عداد چنین موضوعاتی جای می‌گیرند. به علاوه دانش اقتصاد (در قالبی که رویکرد شیکاگو نماد آن است) می‌تواند نقش مهمی در برخی تصمیم‌گیری‌های حقوقی به‌ویژه در حوزه حقوق حوادث داشته باشد. برای مثال محاکم شرع به هنگام تعیین مقدار خسارات وارد شده بر افراد در جریان یک تصادف یا تعیین میزان خسارات در مصادیق قاعده فقهی اتلاف می‌توانند از روش‌ها و دستاوردهای این رویکرد بهره‌برداری نمایند.

مسئله مهم دیگری که با استفاده از رویکرد شیکاگو قابل بررسی است مقایسه کارایی احکام،



عقود و قواعد فقهی در زمان صدر اسلام با شرایط کنونی است. بدیهی است احکام، عقود و قواعد مذکور را باید متناسب با بسترهای زمانی صدور آنها تحلیل کرد؛ به عبارت دیگر اگر بررسی‌ها نشان دهد که یک عقد و قاعده فقهی در صدر اسلام که مقصود شارع در آن به عیان معلوم بوده، و کارکردهایی داشته است که اکنون با توجه به تغییر شرایط و موضوع، مقصود شارع را برآورده نکرده، و نیازمند ملاحظات دیگری است تا به کارکرد مورد نظر شارع برسد، در این صورت می‌توان با استفاده از چارچوب‌های انعطاف‌پذیرتری همچون عقد صلح و سازوکار شرط، عقد یا قاعده مذکور را با رعایت ضوابط کلی حاکم بر عقود و قراردادهای و روش‌شناسی استنباطی و اجتهادی مورد قبول فقهای شیعه، تا حد قابل توجهی اصلاح کرد. البته در این گونه بررسی‌ها می‌توان با توجه به ماهیت تاریخی مطالعه از چارچوب‌ها و روش‌های رایج در رویکرد تحلیل نهادی تاریخ نیز یاری جست. با تکیه بر همین روش‌هاست که می‌توان از ایجاد دانش‌های جدید میان‌رشته‌ای مانند اقتصاد مضاربه، اقتصاد مشارکت، اقتصاد زکات، اقتصاد وقف، اقتصاد احیاء موات و اقتصاد مباحات عامه نام برد. در این گونه دانش‌ها می‌توان ابعاد و کارکردهای اقتصادی هر یک از این احکام و عقود را با توجه به بسترهای تاریخی صدور حکم و نیز با توجه به بسترهای کنونی موجود در جوامع اسلامی مورد بحث و تدقیق قرار داد. جدول شماره دو عناوین برخی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای را که با الهام از روش‌های رویکرد شیکاگو در حقوق و اقتصاد قابل انجام است نشان می‌دهد.



جدول شماره ۲. عناوین برخی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با الهام از رویکرد شیکاگو در حقوق و اقتصاد

موضوع‌شناسی اقتصادی و فقهی حقوق مالکیت معنوی
موضوع‌شناسی اقتصادی و فقهی تقسیم زمانی مالکیت
تحلیل اقتصادی و فقهی تعارض در اموال و مسئله آثار جانبی
مقایسه کارکردهای اقتصادی عقود شرعی در صدر اسلام و زمان حاضر
مقایسه کارکردهای اقتصادی قواعد فقهی در صدر اسلام و زمان حاضر
مقایسه کارکردهای اقتصادی احکام مالکیت در صدر اسلام و زمان حاضر
اقتصاد اطلاعات و کارایی در مقررات‌گذاری بر قراردادهای در صدر اسلام و زمان حاضر
تحلیل روش‌های حمایت از حقوق مالکیت در اسلام از منظر کارایی
تحلیل اقتصادی احکام شرعی معطوف به نقض قراردادهای و روش‌های جبران خسارت

بخش مهمی از موضوعات اقتصادی مرتبط با تاریخ اسلام را می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های مرسوم در شاخه محیط نهادی حقوق و اقتصاد نهادگرای جدید تحلیل و بررسی نمود. بخشی از این تحقیقات می‌تواند تفاوت وضعیت اقتصادی شبه جزیره عربستان در روزگار پیش و پس از ظهور اسلام را توضیح دهد. همچنین بخشی از مساعی پژوهشگران را می‌توان به سمت تحلیل دلایل ظهور و افول اقتصادی مسلمانان در قرن‌های نخست هجری هدایت کرد. به راستی نقش نهادهای حقوقی و هزینه‌های مبادله در این ظهور و افول به چه اندازه بود و آیا با تکیه بر مفهوم هزینه‌های مبادله می‌توان بخشی از تاریخ تمدن اسلامی را تبیین کرد؟ پاسخ به این سؤال و سؤالاتی از این دست نیازمند پژوهش‌های نظام‌مندی است که می‌تواند با الهام از روش‌شناسی نورث و دیگر تحلیل‌گران مکتب تحلیل نهادی تاریخ انجام گیرد. جدول شماره سه عناوینی را که با الهام از شاخه محیط نهادی رویکرد نهادگرایان جدید در حقوق و اقتصاد قابل مطالعه است پیشنهاد می‌دهد. البته لازم به یادآوری است که در سال‌های اخیر جریان پژوهشی جدیدی آغاز شده که اهتمام آن معطوف به بررسی عملکرد «نهادهای اقتصادی اسلامی»^۱ و تأثیر آن بر عملکرد اقتصادی کشورهای مسلمان بوده است. این پژوهش‌ها عمدتاً جنبه انتقادی داشته و در پی تبیین علل عقب‌ماندگی اقتصادی دولت‌های مسلمان به‌ویژه امپراطوری عثمانی در قرن‌های اخیر بوده است. در این نگاه ضعف نهادهای اقتصادی اسلامی از جمله وقف و شرکت علت تخصیص ناکارای منابع و در نتیجه عقب‌ماندگی اقتصادی مسلمانان در سده‌های اخیر دانسته شده است. (کُرَن، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۸) به هر تقدیر انتظار می‌رود دستاوردهای این جریان پژوهشی نیز در سال‌های آتی ادبیات گسترده‌ای را ایجاد کند.

جدول شماره ۳. عناوین برخی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با الهام از شاخه محیط نهادی رویکرد حقوق و اقتصاد نهادگرای جدید

تحلیل اقتصادی تاریخ عرب پیش از اسلام
تحلیل اقتصادی تاریخ مسلمانان در عصر خلفای اربعه، عصر اموی و عصر عباسی
تحلیل نقش نهادهای حقوقی اسلامی در شکل‌گیری موقعیت کنونی کشورهای اسلامی
تحلیل اقتصادی تاریخ حقوق و محاکم در میان اهل سنت
مسئله اعمال حقوق و قراردادها در اسلام
تبیین ظهور و سقوط اقتصادی مسلمانان
نظام تجاری در شهرهای اسلامی
نظام حمل و نقل و شکل قراردادها در کاروان‌های اسلامی

1. Islamic Economic Institutions
2. Kuran



یکی از محورهای پژوهشی دیگری که با تکیه بر تحولات علمی جدید قابل پیگیری است بحث و کاوش در باب رویکرد اسلام به ساختارهای سازماندهی است. برای مثال این موضوع همچنان حائز اهمیت است که آیا در فقه اسلامی امکان تشکیل شرکت‌های سهامی (به‌عنوان مهم‌ترین نوع بنگاه در دنیای جدید) پیش‌بینی شده بود؟ اگر پاسخ منفی است آیا در شرایط کنونی، فقه اسلامی مجوز تشکیل چنین بنگاه‌هایی را فراهم می‌آورد؟ این سؤال و سؤالاتی از این دست را می‌توان با تکیه بر روش‌های رایج در شاخه ترتیبات نهادی رویکرد نهادگرای جدید به حقوق و اقتصاد یا همان شاخه اقتصاد هزینه مبادله مورد بررسی قرار داد. موضوع دیگری که همچنان قابل بحث و مذاقه است نسبت تعالیم حقوقی اسلام و دوروش مهم سازماندهی یعنی بازار و دولت است. چنان که می‌دانیم بحث درباره این دو سازوکار سابقه‌ای طولانی در میان اندیشمندان مسلمان دارد؛ به گونه‌ای که از بدو تولد جریان پژوهشی اقتصاد اسلامی در سال‌های میانی قرن بیستم این موضوع به‌ویژه از منظر نقش دولت در کانون توجه نظریه‌پردازان این جریان قرار داشته است. (صدر، ۱۹۶۸؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱؛ مطهری، ۱۴۰۳؛ ۱۳۸۵؛ نمازی و دادگر، صدیقی، ۱۹۸۱؛ چاپرا، ۱۹۷۰؛ ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۶؛ ۱۳۸۵) با این حال اولین نکته‌ای که ضرورت انجام مطالعات جدید را در این عرصه نشان می‌دهد کم‌توجهی ادبیات مذکور به مسئله مهم هزینه‌های مبادله است. بدیهی است که استفاده از مفهوم هزینه‌های مبادله و سایر دستاوردهایی که در بخش‌های پیش‌مورد اشاره قرار گرفت می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی را برای پژوهش در آموزه‌های حقوقی اسلام فراهم آورد و به بارور شدن برنامه پژوهشی اقتصاد اسلامی کمک نماید. جدول شماره چهار برخی عناوین پژوهشی میان‌رشته‌ای را که با استفاده از روش‌ها و دستاوردهای اقتصاد هزینه مبادله قابل انجام است نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. عناوین برخی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با الهام از شاخه محیط نهادی رویکرد حقوق و اقتصاد نهادگرای جدید

رویکرد فقه به سازوکار بازار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های سازماندهی اقتصادی
نقش دولت اسلامی در تخصیص منابع و تحلیل آن از منظر هزینه‌های مبادله
امکان تشکیل انواع بنگاه (به‌ویژه شرکت سهامی) در فقه اسلامی و تأثیر آن بر هزینه‌های مبادله
امکان تشکیل ساختارهای سازماندهی ترکیبی در فقه اسلامی و تأثیر آن بر هزینه‌های مبادله
فقه اسلامی و موضع آن در قبال قراردادهای ناقص
تحلیل تاریخی شکل‌گیری و افول ساختارهای سازماندهی در جوامع مسلمان



نتیجه‌گیری

هدف این مقاله مرور و معرفی تحولاتی بود که از نیمه دوم قرن بیستم آغاز گشت و به تدریج امکان توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای را در عرصه حقوق و اقتصاد فراهم آورد. چنان که گفتیم دانش اقتصاد تا پیش از انتشار قضیه کوز در سیطره نظریه تعادل عمومی و نظریات دیگری قرار داشت که حقوق مالکیت را بی‌تأثیر می‌دانست و بنابراین ضرورت انجام مطالعات میان‌رشته‌ای را نادیده می‌انگاشت. کوز و پیروان او توانستند با معرفی قضیه کوز نشان دهند که هرگونه تحلیل درباره سازوکارهای تخصیص منابع تنها هنگامی قابل اعتماد است که فرض بی‌هزینه بودن مبادلات را کنار نهد و تأثیر هزینه‌های مبادله را بر رفتار اقتصادی به حساب آورد. به عبارت دیگر آنان نشان دادند که تنها تا زمانی می‌توان از تأثیر قوانین، مقررات، قواعد اجتماعی و نهادها بر عملکرد اقتصادی چشم پوشید که هزینه‌های مبادله مساوی صفر باشد. در غیر این صورت نهادهای حقوقی تأثیری غیرقابل انکار بر عملکرد سازوکارهای تخصیص منابع خواهند داشت. بدین سان اقتصاددانان مذکور توانستند به همکاران دانشگاهیشان یادآوری کنند که تا وقتی هزینه‌های مبادله مخالف صفر است گریزی از انجام مطالعات میان‌رشته‌ای وجود نخواهد داشت. چنان که گفته شد مجموع این تحولات نظری بسترهای مناسبی را برای توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای در دو حوزه مهم حقوق و اقتصاد فراهم آورد. ما در این مقاله رویکردهای مهمی را که در مطالعات حقوق و اقتصاد مورد استفاده است معرفی نمودیم و ویژگی‌های محوری هر یک را به اختصار بر شمردیم. تردیدی نیست که تحولات نظری مذکور می‌تواند نقش مهمی در گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای اسلامی داشته باشد و عرصه‌های پژوهشی نوینی را پیش روی محققان و پژوهشگران علاقه‌مند به این گونه مطالعات قرار دهد. یکی از موضوعات مهمی که با تکیه بر روش‌شناسی رویکرد شیکاگو قابل بحث و بررسی است تحلیل اقتصادی قواعد و مقررات حقوقی اسلامی به‌ویژه از منظر تأثیر این قواعد بر کارایی تخصیصی است. انجام این گونه تحلیل‌ها به‌ویژه اگر با توجه به بسترهای زمانی و مکانی تشریح احکام انجام گیرد، می‌تواند نقش قابل توجهی در توسعه فقه اقتصاد داشته باشد. حوزه پژوهشی دیگری که با الهام از شاخه محیط‌نهادی رویکرد نهادگرای جدید در حقوق و اقتصاد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، تحلیل اقتصادی تاریخ تمدن اسلامی و تبیین علل ظهور و افول اقتصادی مسلمانان در سده‌های نخست هجری است. حوزه مطالعاتی دیگری که با تکیه بر دستاوردهای شاخه ترتیبات نهادی رویکرد نهادگرای جدید در حقوق و اقتصاد قابل انجام است، مطالعه درباره ساختارهای



سازماندهی (شامل بازار، دولت، بنگاه و ساختارهای ترکیبی) و نقش آنها در تخصیص منابع از منظر تعالیم حقوقی اسلام و نیز در تاریخ تمدن اسلامی است. به هر تقدیر رویکردهای معاصر در مطالعه حقوق و اقتصاد - اگرچه با کاستی‌هایی نیز همراه هستند - اما می‌توانند نقش مهمی در توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای اسلامی داشته باشند و آنچه را که ما امروزه دانش «اقتصاد اسلامی» می‌خوانیم با تحولی شگرف روبه‌رو نمایند.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۴

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹

منابع

- پیغامی، ع. (۱۳۸۷) «رهیافت‌های تلفیقی در طراحی رشته اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش. ۳۲، ۱۷۸-۲۰۰.
- خورسندی طاسکوه، ع. (۱۳۸۸) «تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ش. ۴: ۸۳-۸۳.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۱) «مبانی اقتصاد اسلامی»، تهران: سمت.
- زاهدی، ک. (۱۳۸۸) «بررسی فراگشت آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای: نیاز دیروز، رویکرد امروز»، زیرساخت فردا، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ش. ۴: ۱۷-۱.
- صدر، م.ب. (۱۹۶۸) اقتصادنا، تحقیق مکتب الاعلام الاسلامی - فرع خراسان. قم: بوستان کتاب قم، ۱۴۱۷ق=۱۳۷۵.
- مطهری، م. (۱۴۰۳) بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات حکمت.
- مطهری، م. (۱۳۸۵) نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- نمازی، ح. و دادگری. (۱۳۸۵) «ارتباط اقتصاد متعارف با اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق مدار»، موضوعات انتخابی در اقتصاد و اقتصاد اسلامی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نورث، د.س. (۱۳۷۹) ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.
- نورث، د.س. (۱۳۷۷) نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه: محمدرضا معینی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ویلیامسون، ا. (۱۳۸۱) «اقتصاد نهادگرایی جدید؛ دستاورد گذشته و نگاهی به فرارو»، ترجمه: محمود متوسلی، برنامه و بودجه، ش. ۷۳: ۴۳-۳.



- Alchian, A.A. (1965) Some economics of property rights. in *Economic Forces at Work*, A.A. Aichian. ed., Indianapolis, IN: Liberty Press.
- Alchian, A.A. and S. Woodward. (1988), Review of Williamson's "The Economic Institutions of Capitalism". *Journal of Economic Literature*, 26: 65-79.
- Allen, D.W. (2000) Transaction Costs, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economics*, B. Bouckaert and G. De Geest. (eds), Cheltenham: Edward Elgar. pp. 893-926.
- Arrow, K. J. (1969) The Organization of Economic Activity : Issues Pertinent to the Choice of Market Versus Nonmarket Allocation, in *The Analysis and Evaluation of Public Expenditures: the PPB System*, U.S. Congress, Joint Economic Committee, Washington: GPO, Vol. 1: 47-66.
- Arrow, K. J. (1985) The Potentials and Limits of the Market in Resource Allocation, in *Issues in Contemporary Microeconomics and Welfare*, G. R. Feiwel, ed., Albany: State

- University of New York Press, pp. 107-124.
- Arrow, K.J. and F. Hahn. (1971) *General competitive Analysis*. San Francisco: Holden-Day.
- Arrow, K.J. and G. Debreu. (1954) Existence of an equilibrium for a competitive economy. *Econometrica* 22, 265—90.
- Barzel, Y. (1976) An Alternative Approach to the Analysis of Taxation. *Journal of Political Economy*, 84:1177-1197.
- Barzel, Y. (1985) Transaction Costs: Are They Just Costs? *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, 141: 4-16.
- Baumol, W.J. (1952). The transactions demand for cash: an inventory theoretic approach. *Quarterly journal of Economics*, 66: 545—456.
- Becker, G S. (1976) *The Economic Approach to Human Behavior*, Chicago: University of Chicago Press.
- Buchanan, J.M. (1987) The Constitution of Economic Policy, *American Economic Review*, 77: 243-250
- Calabresi, G. (1965) The decision for accidents: an approach to non-fault allocation of costs. *Harvard Law Review*, 78: 713—745.
- Calabresi, G. (1968) Transaction costs, resource allocation and liability rules: a comment. *Journal of Law and Economics*, 11: 67—68.
- Chapra, M.U. (1970) *The Economic System of Islam- a Discussion of its Goal and Nature*. London: Islamic Culture Center.
- Chapra, M.U. (1992) *Islam and the Economic Challenge*, Leicester, UK: the Islamic Foundation.
- Chapra, M.U. (1996) *What is Islamic Economics*, Jedda: Islamic Research and Training Institute.
- Cheung, S. N.S. (1969) *A Theory of Share Tenancy*, Chicago, University of Chicago Press.
- Coase, R. (1937) The Nature of the Firm, *Economica* n.s., 4: 386-405.
- Coase, R. (1960) The Problem of Social Cost, *Journal of Law and Economics*, 3: 1-44.
- Coase, R. (1988) *The Firm, the Market, and the Law*. Chicago: University of Chicago Press.
- Commons, J. (1924) *Legal Foundations of Capitalism*. New York: Macmillan.
- Cooter, R. and T. Ulen. (2007) *Law and Economics*, New York: Harper Collins, (5td ed).
- David, P. (1994) Why Are Institutions the ‘Carriers of History’?: Path Dependence and the Evolution of Conventions, Organizations and Institutions. *Structural Change and Economic Dynamics* 5, no. 3: 205-220.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۶

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹

- Davis, L. E. and D.C. North. (1970) Institutional change and American economic growth: a first step towards a theory of institutional innovation. *Journal of Economic History*, 30: 131—149.
- Debreu, G. (1959) *Theory of Value*. New York: Wiley.
- Demsetz, H. M. (1967) Toward a Theory of Property Rights, *American Economic Review*, 57: 347-359.
- Demsetz, H. M. (1972) When does the rule of liability matter? *Journal of Legal Studies*, 1: 13—28.
- Eggertsson, T. (1990) *Economic Behavior and Institutions*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Goldberg, V. P. (1989) 'Production Functions, Transactions, Costs and the New Institutionalism', in *Readings in the Economics of Contract Law*, Goldberg, V. P. ed., Cambridge, Cambridge University Press, 21-23. Reprinted in Feiwel, George (ed.), *Issues in Contemporary Microeconomics*, Macmillan Press, 1985, 395-402.
- Greif, A. (1993) Contract Enforceability and Economic Institutions in Early Trade: The Maghribi Traders' Coalition. *American Economic Review* 83: 525-48.
- Hicks, J.R. (1935) A suggestion for simplifying the theory of money. *Economica* NS 2: 1-19.
- Klaes, M. (2008) History of Transaction Costs, in *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd edition, S. N. Durlauf and L.E. Blume, eds., New York: Palgrave Mcmillan, Vol.8: 363-367.
- Klein, P.G. (2000) New Institutional Economics, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economics*, B. Bouckaert and G. De Geest. (eds), Cheltenham: Edward Elgar. pp. 456-489.
- Kuran, T. (2003) The Islamic commercial crisis: institutional roots of economic underdevelopment in the Middle East. *Journal of Economic History*, 63: 414—446.
- Kuran, T. (2004) The economic ascent of the Middle East's religious minorities: the role of Islamic legal pluralism. *Journal of Legal Studies*, 33: 475—515.
- Kuran, T. (2008) Islamic Economic Institutions, in *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd edition, S. N. Durlauf and L.E. Blume, eds., New York: Palgrave Mcmillan, Vol.4: 582-585.
- Mackaay, E. (2000a) History of Law and Economics, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economic*, Bouckaert, B. and De Geest, G. (eds.), Cheltenham: Edward Elgar. pp. 65-117.
- Mackaay, E. (2000b) Schools: General, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economic*, Bouckaert, B. and De Geest, G. (eds.), Cheltenham: Edward Elgar. pp. 402-415. Becker, Gary S. (1976), *The*



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۷

ضرورت مطالعات
میان‌رشته‌ای و افق‌های ...

- Economic Approach to Human Behavior*, Chicago: University of Chicago Press
- Macneil, L.R. (1981) Economic analysis of contractual relations: its shortfalls and the need for a 'rich classificatory apparatus', *Northwestern University Law Review*, 75: 1018—1063.
- Makower, H. and Marschak, J. (1938) Assets, prices and monetary theory, *Economica* NS, 5: 261—288.
- Marschak, J. (1950) The Rationale of the Demand for Money and of Money Illusion. *Metroeconomica*, 2: 71—100.
- Medema, S.G. & N. Mercuro and W. J. Samuels. (2000) Institutional Law and Economics, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economics*, B. Bouckaert and G. De Geest. (eds), Cheltenham: Edward Elgar. pp. 418-455.
- North, D.C. (1985) Transaction costs in history. *Journal of European Economic History*, 14: 557—576.
- Parisi, F. (2008) Coase Theorem, , in *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd edition, S. N. Durlauf and L.E. Blume, eds., New York: Palgrave Mcmillan, Vol.1: 855-861.
- Patinkin, D. (1965) *Money, Interest, and Prices*, 2nd edn. New York and Tokyo: Harper & Row and Weatherhill.
- Pigou, A.C. (1920) *The Economics of Welfare*. London: Macmillan.
- Posner, R.A. (1972) *Economic Analysis of Law*. Boston: Little, Brown.
- Posner, R. A. (1998) *Economic Analysis of Law*, Aspen Law and Business (5th edn).
- Roth, A. (2002) The economist as engineer: game theory, experimentation, and computation as tools for design economics. *Econometrica*, 70: 1341—1378.
- Rutherford, M. (1994) *Institutions in Economics: The Old and the New Institutionalism*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Shavell, S. (2004) *Foundations of Economic Analysis of Law*, Cambridge, MA: the Belknap Press of Harvard University Press.
- Stigler, G.J. (1966) *The Theory of Price*, 3rd edition. New York: Macmillan.
- Stigler, G.J. (1967) Imperfections in the capital market. *Journal of Political Economy*, 75: 287-292.
- Tobin, J. (1956) The interest-elasticity of transactions demand for cash. *Review of Economics and Statistics* 38: 241—247.
- Veblen, T.B. (1899) *The Theory of the Leisure Class*, New York: Macmillan.
- Walras, L. (1954) *Elements of Pure Economics*, translated by William Jaffe. London: Allen & Unwin.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۸

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹

- Wellisz, S. (1964) On external diseconomies and the government assisted invisible hand. *Economica*, 31: 345-362.
- Williamson, O.E. (1975) *Markets and Hierarchies*. New York: Free Press.
- Williamson, O.E. (1979) Transaction-Cost Economics: The Governance of Contractual Relations. *Journal of Law and Economics*, 22: 233-261.
- Williamson, O.E. (1985) *The Economic Institutions of Capitalism*. New York: Free Press.
- Williamson, O.E. (2005) Transaction Cost Economics, in *Handbook of New Institutional Economics*, C. Menard and M.M. Shirley eds., Netherlands: Springer.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۹

ضرورت مطالعات
میان‌رشته‌ای و افق‌های ...